

ارزیابی شاخص‌های کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: روستای میمند، شهرستان بابک)

الهه صفی‌جهانشاهی^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزواری، ایران

کبری طاهری

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران مرکز، تهران، ایران

مهدی خداداد

کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گلستان، گلستان، ایران

چکیده

کیفیت زندگی مردم در نواحی روستایی به عوامل زیادی از جمله اشتغال، درآمد مناسب، دسترسی به خدماتی مانند آموزش و بهداشت، سلامت، محیط طبیعی، امنیت و انجمن‌های قوی وابسته است. در همین راستا پژوهش حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در بین روستاییان ساکن در روستای میمند از توابع شهرستان بابک پرداخته است. جامعه آماری پژوهش حاضر را، که از نوع مطالعه توصیفی-همبستگی است، سرپرستان خانوار روستای میمند تشکیل می‌دهند. به منظور تعیین تعداد نمونه‌ها با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد ($p \& q = 0/5$) و احتمال خطای ($d = 0/07$)، ۵۰ سرپرست خانوار به عنوان نمونه انتخاب گردید. ابزار تحقیق از نوع پرسشنامه محقق ساخته بوده که روایی آن با استفاده از نظرات کارشناسان و اساتید دانشگاهی و پایایی آن با انجام پیش‌آزمون و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ($0/08$) مورد تأیید قرار گرفت. کلیه محاسبات آماری این پژوهش به وسیله نرم‌افزار SPSS انجام گرفت. در این ارتباط شاخص‌های کیفیت زندگی (متغیر وابسته) و میزان رضایت ساکنان روستا به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد: کیفیت زندگی، واژه‌ای پیچیده در ارتباط با شرایط و وضعیت جمعیت در یک ناحیه یا روستا است. در بر گیرنده‌ی ابعاد روانی است که شاخص‌هایی همچون رضایت، شادمانی و امنیت را در بر می‌گیرد و در برخی موارد رضایت‌های اجتماعی نیز نامیده می‌شود توجه به مفهوم بُعد ذهنی، یکی از دیدگاه‌هایی است که در تحقیقات مربوط به کیفیت زندگی به کار برده می‌شود. این رویکرد که به رویکرد آمریکایی کیفیت زندگی معروف است در نتیجه بین همبستگی بین شاخص‌های اجتماعی کیفیت زندگی با میزان رضایت ساکنان روستا و مستقیمی ($0/15$) وجود دارد. از اینرو فرضیه تحقیق با 95% اطمینان تأیید می‌شود.

واژه‌های کلیدی: شاخص‌های ذهنی، کیفیت زندگی روستایی، روستای میمند، شهرستان بابک.

^۱ - نویسنده مسئول ۰۹۳۷۱۴۴۸۶۳۹ Elahejahanshahi51@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

رشد شهری در قرن بیستم سهم جمعیت شهرنشین را به شدت افزایش داد و شهرنشینی را به شیوه غالب زندگی تبدیل کرد. اگر چه شهر و شهرنشینی خود یکی از مهم ترین شاخص های رفاه و توسعه اجتماعی و اقتصادی محسوب می شود، رشد شتابان آن می تواند سرانه برخورداری از بسیاری امکانات اجتماعی و اقتصادی را کاهش دهد و از این رو طریق پیامدهای آن به صورت کاهش سطح کیفیت زندگی در عرصه های مختلف شهری نمایان شود (شاهکوهی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸۶). با توجه به توسعه و گسترش شهرها در کشورهای پیشرفته و رو به پیشرفت، مطالعات کیفیت زندگی به ابزار مهمی برای برنامه ریزی و مدیریت شهرهای پایدار و قابل زیست تبدیل شده است (حاتمی نژاد، ۱۳۹۰: ۳۰). به عبارتی کیفیت زندگی به عنوان مفهومی برای نشان دادن میزان رضایت فرد از زندگی و معیاری برای تعیین رضایت و عدم رضایت افراد و گروه ها از ابعاد مختلف زندگی است. این ابعاد می تواند زمینه های تغذیه ای، آموزشی، بهداشت، امنیت و اوقات فراغت را شامل شود، از طرفی، دیگر امروزه در ادبیات برنامه ریزی توسعه مباحث کیفیت زندگی به عنوان یک اصل اساسی پیوسته مورد نظر برنامه ریزان و مدیران امر توسعه است (قالیباف و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۴). امروزه مسائل اقتصادی و اجتماعی (نظیر بیکاری، فقر، کمبود فرصت های شغلی، سطح پایین سواد و...) به عنوان مهم ترین معضلات کنونی جوامع روستایی محسوب می شوند (عیسی لو و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۸). توسعه روستایی بهبود در همه ابعاد و جنبه های حیات انسانی است (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۳). بهبود کیفیت زندگی^۲ در جوامع روستایی، هدف غایی برنامه ها و پروژه ها توسعه روستایی است. اما پیش شرط اصلی جهت دستیابی به این مهم، فراهم ساختن شرایط مناسب برای زندگی است که می تواند زمینه ساز ارتقای کیفیت زندگی در جوامع روستایی گردد (عیسی لو و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۸). بدین ترتیب روستای میمند با مشکل اصلی در شاخص های کیفیت زندگی روبرو می باشد که باید با ارائه راهکارها و پیشنهادهای در جهت حل مسائل آن چاره جویی کرد.

فرضیه های تحقیق

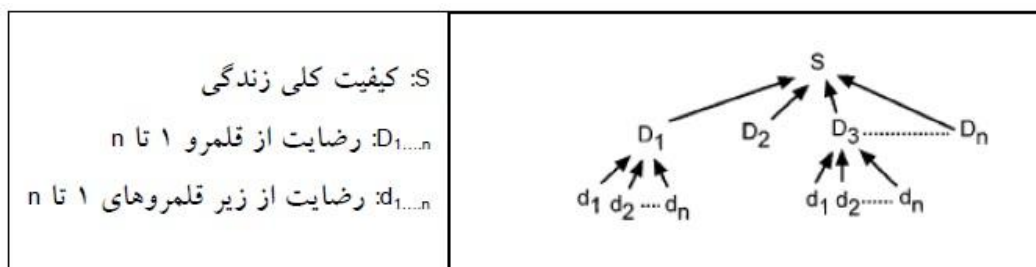
- ۱- بین شاخص های اقتصادی کیفیت زندگی با میزان رضایت ساکنان روستا رابطه ای وجود دارد .
- ۲- بین شاخص های اجتماعی کیفیت زندگی با میزان رضایت ساکنان روستا رابطه ای وجود دارد .
- ۳- بین شاخص های کالبدی کیفیت زندگی با میزان رضایت ساکنان روستا رابطه ای وجود دارد .

^۲ . Quality of life

مبانی و پیشینه نظری پژوهش شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی

شاخص‌های ذهنی منعکس‌کننده ارزیابی ذهنی افراد از زندگی می‌باشد، این ارزیابی با استفاده از اطلاعات افراد که وضعیت رفاهی خود را از طریق پرسش‌نامه‌های مختلف و سرشماری‌ها اظهار نموده‌اند به دست می‌آید. چنین شاخص‌هایی نشان دهنده شرایط کلی زندگی افراد و نحوه نگرش آنها به این شرایط بوده، و با جمع آوری و تحلیل آماری این شاخص‌ها می‌توان به ارزش‌های طبقات مختلف اجتماعی پی برد (CEMI, 1997: 131-152). شاخص‌های ذهنی بر اساس پاسخ‌های روانی مانند رضایت شغلی، خوشحالی میان دیگران و ... مورد سنجش قرار می‌گیرد (خوارزمی، ۱۳۸۳: ۴). واقعیت خیلی مهم این است که کیفیت نمی‌تواند تنها از طریق شرایط عینی تعیین شود، بلکه در نظر گرفتن بهزیستی ذهنی افراد نیز دارای اهمیت است. شاخص‌های عینی به تنهایی نمی‌تواند کیفیت واقعی زندگی را نمایش دهند، زیرا این شاخص‌ها دارای پایایی بالا، اما قابلیت اطمینان پایین در ارزیابی بهزیستی انسان هستند (Foo, 2000: 34). از جمله این شاخص‌ها عبارت‌اند از: رضایت از حمل و نقل عمومی، رضایت از روشنایی خیابان‌ها، رضایت از پاکیزگی خیابان‌ها، رضایت از کیفیت آب، رضایت از فضای سبز و پارک‌ها و ... است. کیفیت زندگی در ابعاد ذهنی، ادراک و ارزیابی افراد را از وضعیت زندگی خود منعکس می‌سازد و با استفاده از شاخص‌های ذهنی اندازه‌گیری می‌شود. کیفیت ذهنی زندگی به روش‌های مختلفی قابل اندازه‌گیری می‌باشد. در یکی از مهم‌ترین روش‌ها، کیفیت زندگی می‌تواند میزان تجمعی از سطح رضایت در قلمروهای مختلف زندگی باشد. بر اساس این روش زندگی به قلمروهای مختلفی تقسیم شده و ترکیب میزان رضایت حاصل از هریک از قلمروها، کیفیت کلی زندگی را نشان می‌دهد (خادم‌الحسینی، ۱۳۸۹: ۵۰). شاخص‌های ذهنی برای اهداف برنامه‌ریزی و سیاستگذاری نسبت به شاخص‌های عینی ارجح‌تر است، زیرا این شاخص‌ها بازخوردهای ارزشمندی را برای برنامه‌ریزان و سیاستگذاران فراهم می‌کنند (Das, 2008: 298).

شکل ۱: کیفیت ذهنی زندگی به‌عنوان ترکیبی از مؤلفه‌های رضایت در قلمروهای مختلف زندگی



منبع: Pacione, 2003: 24

لینچ مدلی شامل هفت محور عملکردی که از نظر او کلیه محورهای اصلی کیفیت یک شهر را تشکیل می دهند به عنوان نسخه های جامع کیفیت شهر پیشنهاد می کند که عبارت اند از:

۱- سرزندگی:

تا چه اندازه شکل شهر حامی عملکردهای حیاتی، نیازهای بیولوژیکی و توانایی های انسانی بوده و چگونه بقای همه موجودات را ممکن می سازد، این یک معیار انسان محوری است.

۲- معنی دار بودن فرم و فضا:

یعنی این که شهر تا چه اندازه می تواند به وضوح درک شده، از نظر ذهنی قابل شناسایی باشد و ساکنین، آن را در زمان و مکان به تجسم درآورد و تا چه اندازه آن ساختار ذهنی با ارزش ها و مفاهیم جامعه در ارتباط است. یعنی انطباق محیط با توانایی های احساسی و ذهنی و ساختارهای فرهنگی را نشان می دهد.

۳- تناسب و سازگاری با الگوهای رفتاری:

یعنی این که شکل و ظرفیت فضاها، معابر و تجهیزات یک شهر تا چه اندازه با الگو و کمیت فعالیت هایی که مردم عادتاً به آن اشتغال دارد و یا اشتغال پیدا خواهند کرد منطبق است. یعنی کفایت بسترهای رفتاری شامل تطبیق پذیری آنها با فعالیت های آتی است.

۴- دسترسی:

توانایی دسترسی به افراد، فعالیت ها، خدمات، اطلاعات و یا اماکن، شامل کمیت و تنوع عناصری که می توان به آنها دسترسی پیدا کرد.

۵- نظارت و اختیار:

یعنی استفاده و دسترسی به فضاها، فعالیت ها، ایجاد، تعمیر، اصلاح و مدیریت آنها تا چه اندازه توسط کسانی که از آن استفاده می کنند و یا در آنها زندگی می کند، صورت می گیرد.

۶- کارایی:

به مفهوم هزینه ایجاد و نگهداری شهر در هر سطح مورد نظر از محورهای محیطی فوق بر اساس هر چیز با ارزش دیگر است.

۷- عدالت:

به معنی چگونگی توزیع سود و زیان محیطی بین افراد طبق اصول خاصی نظیر برابری، نیاز، ارزش ذاتی، قدرت پرداخت، تلاش، کمک بالقوه و یا قدرت، عدالت معیاری است که عایدی بین افراد را متعادل می کند (لینچ، ۱۳۷۶: ۱۵۲).

- برنامه‌ریزان و طراحان معمولاً دارای نقطه نظرهای خاص خود در مورد شهرها بوده و مجموعه‌ای مشخص از ارزش‌ها را درباره کیفیت شهر قائل هست که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- شهر باید دارای شهریت باشد. تنوع بداعت، خوش منظری و سطح زیادی از ارتباط متقابل از خصوصیات آن است؛
 - شهر باید نمایانگر جامعه و ماهیت جهان بوده و آن را تقویت کند؛
 - نظم، وضوح و بیان عملکرد موجود از اصولی‌ترین معیارها هستند. شخص از وجود تدابیر جاذب، عظیم، پیچیده و فنی در شهر احساس شادی می‌کند؛
 - تمرکز درست طراحی شهری و تدارک و نگهداری مؤثر خدمات و تسهیلات؛
 - شهر اصولاً یک نظام اداره شده در حال حرکت است. مهم‌ترین عناصر آن عبارت‌انداز: بازار، عملکردهای نهادی، شبکه ارتباطات، تغییر فضایی و فرآیند تصمیم‌گیری؛
 - شهر وسیله تأمین سود و یا قدرت است. بر این اساس شهر صحنه رقابت، تخصص، بهره‌برداری و تقسیم منابع است (خادمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۶-۶۵).

جدول ۱: معیارها و شاخص‌های کیفیت زندگی در عرصه‌های مختلف نظری و عملی

محقق یا مورد مطالعه	شاخص‌ها و معیارهای به کار گرفته شهری
Lui, (1976)	۱- آب و هوا ۲- مسکن ۳- بهداشت عمومی و محیطی ۴- جنایت ۵- حمل و نقل ۶- آموزش ۷- هنر ۸- تفریح ۹- اقتصاد
Blomqitetal et al,(1388) Slover and Leven(1992)	۱- میزان بارندگی ۲- میزان رطوبت ۳- درجه حرارت روزهای گرم ۴- درجه حرارت روزهای سرد ۵- سرعت باد ۶- گرمای فتاب ۷- ساحل ۸- جنایات وحشیانه ۹- سرانه معلم به دانشجو ۱۰- دامنه دید ۱۱- مشارکت موقتی ۱۲- تخلیه فاضلاب ۱۳- محل دفن زباله ۱۴- مکان‌های با سرمایه بالا ۱۵- مکان‌های برداشت، ذخیره و دفع زباله
Ruffian, (1993)	۱- ایمنی عمومی ۲- هزینه غذا ۳- فضای زندگی ۴- استاندارد مسکن ۵- ارتباطات ۶- آموزش ۷- سلامت عمومی ۸- صلح و آموزش ۹- جریان ترافیک ۱۰- تمیزی هوا
Human Dev index (UNDP, 1994)	۱- زندگی مورد انتظار ۲- میزان بی سواد بزرگسالان ۳- متوسط قدرت خرید
Physical Qol index (ICQOL,1996)	۱- مرگ و میر کودکان ۲- زندگی مورد انتظار ۳- میزان بی سواد بزرگسالان
Protussenko, (1997)	۱- درآمد ماهیانه هر فرد ۲- توزیع درآمد ۳- هزینه ماهیانه غذا
کمیته بحران جمعیت، (۱۳۸۰)	تأکید بر شاخص‌های اجتماعی: ۱- امنیت عمومی ۲- هزینه خوراکی ۳- فضای مسکونی ۴- ارتباطات ۵- آموزش عمومی ۶- بهداشت همگانی ۷- آرامش عمومی ۸- حمل و نقل شهری ۹- هوای سالم

منبع: (کوکبی و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۰)

یکی از چالش های مهم جوامع روستایی سطح پایین کیفیت زندگی است که اندیشه بسیاری از صاحب نظران توسعه روستایی را به خود جلب کرده است (بوستانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۹). در همین راستا، کاجلیرو^۳ معتقد است: کیفیت زندگی در نواحی روستایی به عواملی چون کیفیت محیط زیست روستایی، امنیت درآمد، امکانات و خدمات، شبکه های اجتماعی و فعالیت های امرار معاش بستگی دارد (Cagliero et al, 2011: 5). مطالعه ادبیات کیفیت زندگی نشان می دهد این مفهوم بر دو موضوع تمرکز دارد: رفاه شخصی و کیفیت زندگی که رفاه شخصی به فرد مرتبط است و کیفیت زندگی با محیط ارتباط دارد (Baycan-Levent, & Nijkamp, 2006: 269-281). در زمینه سنجش کیفیت زندگی در سکونتگاه های روستایی تاکنون مطالعات گسترده ای صورت گرفته است که از مهم ترین آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

آلن^۴ و همکاران (2002)، در پژوهشی به بررسی کیفیت زندگی در نواحی روستایی نبراسکا پرداختند و نشان دادند که بین مکان گزینی روستا و عضویت در تشکل های مردمی، پتانسیل طبیعی، الگوی مصرف خانوار و وضعیت مسکن و بهبود شاخص های کیفیت زندگی رابطه معنی داری وجود دارد (حیدری ساربان، ۱۳۹۳: ۱۳۴). بوکیا و همکاران^۵ (2003)، در تحقیقی تحت عنوان "تحلیلی بر کیفیت زندگی و توسعه روستایی: شواهدی از ویرجینیا" به این نتایج دست یافتند که یک سلسله مراتبی از متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی (حکومتی) در رضایت از کیفیت زندگی و توسعه مؤثر هستند. نتایج تجربی با پیش بینی کننده های تئوری همخوانی دارد و نشان می دهد که یک ارتباط معناداری میان رضایت از کیفیت زندگی و توسعه روستایی وجود دارد. بوکینیا و همکارانش^۶ (2005)، در تحلیل کیفیت زندگی مناطق روستایی غرب ویرجینیا، نشان دادند که بین کیفیت زندگی در مناطق روستایی با عوامل طبیعی، اجتماعی و اقتصادی و روانشناختی رابطه وجود دارد. مورو و همکاران^۷ (2008)، در پژوهشی با عنوان «رتبه بندی کیفیت زندگی با به کارگیری داده بهزیستی ذهنی در نواحی روستایی پاکستان»، ارتقای شاخص های کیفیت زندگی را در مناطق روستایی تابعی از بُعد خانوار، عضویت در تشکل های مدنی و مشارکت اجتماعی می داند. گرجیک^۸ و همکاران (2010)، به بررسی کیفیت- زندگی در مناطق روستایی کرواسی پرداخته و به این نتیجه رسیدند که فقدان فرصت های شغلی، محدودیت انتخاب

3 . Cagliero

4 . Allen

5 . Bukenya et al

6 . Bukenya

7 . Moro& et al

8 . Grgic

حرفه، امکانات و درآمد پایین، خدمات اجتماعی، بهداشتی و درمانی ضعیف باعث کاهش کیفیت زندگی شده است. ملکاکی^۹ (2011)، در تحقیق خود متوجه شد که سطح اجتماعی و اقتصادی و محیط زیست زندگی عامل های مهمی برای ارزیابی کیفیت زندگی بودند.

پورطاهری و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی با هدف کیفیت زندگی در نواحی روستایی دهستان خاوه شمالی استان لرستان را ارزیابی و به این نتیجه رسیدند که کیفیت شاخص های آموزش، محیط مسکونی، محیط فیزیکی، و نیز درآمد و اشتغال پایین تر از حد متوسط و شاخص های کیفیت سلامت، امنیت و کیفیت کالبدی در حد متوسط ارزیابی شده اند. یافته های پژوهش احمدوند و همکاران (۱۳۹۱)، در رابطه با کیفیت زندگی مناطق روستایی شهرستان بویراحمد نشان داد که اکثر روستاییان دارای کیفیت زندگی در حد متوسطی بوده و سه متغیر تعداد اعضای خانوار، اراضی تحت مالکیت و رفاه اجتماعی از مؤلفه های تأثیرگذار بر کیفیت زندگی روستاییان این منطقه می باشند. بریمانی و بلوچی (۱۳۹۲)، در پژوهشی به ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی با استفاده از سامانه های هوشمند (منطق فازی)، دهستان مهبان شهرستان نیک شهر پرداخته و نتایج حاکی از آن است که، کیفیت زندگی عینی در دهستان مهبان در طیفی از نامطلوب تا نسبتاً مطلوب قرار می گیرد. سوری و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی به تحلیل اکتشافی ابعاد اجتماعی- اقتصادی کیفیت زندگی کارکنان روستایی واحدهای پرورش ماهی در شهرستان سلسله، اقدام کرده و نتایج نشان داد که بُعد اجتماعی کیفیت زندگی بیشتر از بُعد اقتصادی پایداری دارد. دربان آستانه و محمودی (۱۳۹۵)، در پژوهشی به ارزیابی کیفیت زندگی در روستا- شهر جدید بانوره از توابع استان کرمانشاه پرداخته و نتایج بیانگر این بود که کیفیت زندگی در سکونتگاه مورد مطالعه در بُعد کالبدی- فضایی برابر ۱،۵۲۳، زیست محیطی برابر ۱،۹۰۶، اقتصادی برابر ۱،۹۱۶ و در بُعد اجتماعی- فرهنگی برابر ۱،۹۵۲ در بازه طیف لیکرت (صفر تا چهار) می باشد. در مجموع نتایج نشان می دهد تبدیل روستا به شهر مزایای متعددی برای ساکنان به خصوص در ابعاد اقتصادی، ارائه برخی خدمات اجتماعی و کالبدی داشته است اما به تبع آن حجم گسترده ای از پیامدهای منفی به ساکنان تحمیل شده و از طرفی به دلیل انتظارات بالای ساکنان، به اعتقاد پاسخ گویان، در مجموع تبدیل روستا به شهر باعث افزایش کیفیت زندگی ساکنان روستا شهر جدید نشده است. قادرمرزی و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی به توزیع فضایی کیفیت زندگی در سکونتگاه های روستایی شهرستان روانسر پرداختند و نتایج کلی پژوهش نشان داد سطح کیفیت زندگی در محدوده مورد مطالعه پایین تر از حد متوسط بوده و بین دهستان های مورد مطالعه از نظر عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی تفاوت معناداری در سطح ۹۵ درصد اطمینان وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد مناطق روستایی دهستان های قوری قلعه، زالوآب و حسن آباد دارای بیشترین میانگین رتبه ای به لحاظ وضعیت کیفیت زندگی، روستاهای دهستان های دولت آباد و منصورآقایی دارای کمترین میانگین

رتبه‌ای و نیز روستاهای دهستان بدر در وضعیت بینابین قرار گرفته‌اند. همچنین نتایج بررسی همبستگی بین کیفیت زندگی روستائیان شهرستان روانسر با متغیرهای مستقل پژوهش نشان داد، سه متغیر نوع شغل، سطح درآمد و تعداد افراد خانوار (بعد خانوار)، دارای رابطه معناداری با متغیر وابسته پژوهش بوده‌اند. در این میان همبستگی بین کیفیت زندگی و دو متغیر نوع شغل و سطح درآمد مثبت بوده و همبستگی کیفیت زندگی با متغیر تعداد افراد خانوار (بعد خانوار) منفی بوده است.

مواد و روش تحقیق

روش تحقیق در مقاله حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد و نوع هدف کاربردی است که با بهره‌گیری از مطالعات داخلی و خارجی و منابع معتبر کتابخانه‌ای و اسنادی و مطالعات میدانی و جمع‌آوری پرسشنامه که جامعه آماری کلیدی خانوارهای ساکن روستای میمند است که ۵۰ نفر به صورت تصادفی مورد پرسش قرار گرفته است و محاسبه‌ی آلفای کرونباخ ۰/۸۰/ محاسبه شده است. در این ارتباط شاخص‌های کیفیت زندگی (متغیر وابسته) و میزان رضایت ساکنان روستا به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده است و در نهایت با تأکید با بهره‌گیری از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است

معرفی محدوده مورد مطالعه

میمند، یک روستا از توابع بخش مرکزی شهرستان شهراباک-کرمان است. این روستای شگفت‌انگیز در ۳۰ کیلومتری شهر شهراباک قرار دارد. میمند با تاریخ ۸۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ سال در ۳۸ کیلومتری شمال شرقی شهرستان شهراباک در عرض ۳۰ درجه و ۱۶ دقیقه و طول ۵۵ درجه و ۲۵ دقیقه قرار دارد. ارتفاع آن از سطح دریا ۲۲۴۰ متر و وسعت آن ۴۲۰ کیلومترمربع است این روستا بین شهرهای شهراباک، سیرجان، رفسنجان و انار قرار دارد. میمند در دهستان میمند، در شهرستان شهراباک و در استان کرمان واقع شده است. باران سالیانه آن ۱۸۵ میلیمتر است. روستای میمند واقع در شهرستان شهراباک در استان کرمان تنها یک نمونه از این جاذبه‌های گردشگری است. این روستای باستانی که با شماره ۴۱۳۵ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده، از معدود موارد معماری صخره‌ای است که به شکلی گسترده در تمامی ساختار روستا استفاده شده است. نمونه‌های معماری صخره‌ای هرچند که در دیگر کشورها نیز به طور معدودی به چشم می‌خورد، اما هیچ‌کدام جاذبه‌های فرهنگی، تاریخی و گردشگری میمند را ندارند. به‌عنوان نمونه مهم‌ترین شاخصه این روستا در مقایسه با مواردی چون دهکده کاپادوکیه^{۱۰} ترکیه مسکونی بودن واحدهای صخره‌ای میمند است که این خصوصیت در سایت‌های مشابه میمند کم‌تر به چشم می‌خورد؛ به عبارت دیگر زندگی هنوز معنای خود را در میمند از دست نداده است (<https://fa.wikipedia.org>).

¹⁰ . Cappadocia



شکل ۲- روستای میمند منبع (<http://visitmeymand.ir>)

یافته‌های تحقیق

آزمون فرضیات

اثبات فرضیه اول: بین شاخص‌های اقتصادی کیفیت زندگی با میزان رضایت ساکنان روستا رابطه ای وجود

دارد.

جدول ۲- ضریب همبستگی پیرسن بین شاخص‌های اقتصادی کیفیت زندگی با میزان رضایت ساکنان روستای میمند

نتیجه	Sig سطح معناداری	r مقدار همبستگی	بین شاخص‌های اقتصادی کیفیت زندگی با میزان رضایت ساکنان روستای میمند
مثبت و معنادار	۰/۰۰۰	۰/۳۵۰	

(منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۶)

با توجه به نتایج جدول (۲-)، سطوح معناداری آزمون برای تمامی شاخص‌های اقتصادی کیفیت زندگی با میزان رضایت ساکنان روستای میمند کمتر از مقدار سطح معناداری $\alpha=0/05$ می‌باشد. در نتیجه فرضیه مبنی بر وجود رابطه مستقیم و معنادار بین هماهنگی بین ارگان‌های تصمیم گیرنده در ارتباط با شاخص‌های اقتصادی کیفیت زندگی با میزان رضایت ساکنان با اطمینان ۹۵٪ تایید می‌شود. به لحاظ اثبات رابطه مستقیم بین آن‌ها می‌توان گفت از دیدگاه ساکنین با

افزایش میزان هماهنگی بین ارگان‌های تصمیم گیرنده در ارتباط با افزایش بعد شاخص های اقتصادی کیفیت زندگی (۰/۳۵) میزان با میزان رضایت ساکنان افزایش خواهد یافت.

اثبات فرضیه‌ی دوم: بین شاخص های اجتماعی کیفیت زندگی با میزان رضایت ساکنان روستا رابطه ای وجود دارد.

جدول (۳-) ضریب همبستگی اسپیرمن بین شاخص های اجتماعی کیفیت زندگی با میزان رضایت ساکنان روستای میمند

Sig سطح معناداری	r مقدار همبستگی	تعداد داده‌ها	شاخص های اجتماعی کیفیت زندگی با میزان رضایت ساکنان روستای میمند
۰/۰۰۴	۰/۱۴۷	۳۸۴	

(منبع : محاسبات نگارندگان ، ۱۳۹۶)

با توجه به جدول (۳-) سطح معناداری آزمون برابر ۰/۰۰۴ است و چون کمتر از سطح معناداری $\alpha=0/05$ می‌باشد. در نتیجه بین همبستگی بین شاخص های اجتماعی کیفیت زندگی با میزان رضایت ساکنان روستا و مستقیمی (۰/۱۵) وجود دارد. از اینرو فرضیه تحقیق با ۹۵٪ اطمینان تایید می‌شود.

اثبات فرضیه‌ی سوم: بین شاخص های کالبدی کیفیت زندگی با میزان رضایت ساکنان روستا رابطه ای وجود دارد. به این منظور باید میزان همبستگی دو متغیر با ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شود که نتایج آن در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

جدول ۴- ضریب همبستگی پیرسون بین شاخص های کالبدی کیفیت زندگی با میزان رضایت ساکنان روستای میمند

سطح معناداری	مقدار همبستگی	تعداد داده‌ها	بین شاخص های کالبدی کیفیت زندگی با میزان رضایت ساکنان روستا
۰/۰۴۲	۰/۱۰۶	۳۸۴	

(منبع : محاسبات نگارندگان ، ۱۳۹۶)

با توجه به جدول (۴-) و سطح معناداری آزمون (۰/۰۴) است و چون کمتر از مقدار سطح معناداری ۰/۰۵ می‌باشد. نتیجه می‌شود که بین شاخص های کالبدی کیفیت زندگی با میزان رضایت ساکنان روستای میمند همبستگی بسیار ضعیف و مستقیمی (۰/۱۱) وجود دارد. نتایج حاصل از پیش‌بینی میزان همبستگی بین شاخص های کالبدی کیفیت زندگی با میزان رضایت ساکنان روستای میمند بسیار ضعیف و مستقیمی (۰/۱۱) وجود دارد.

جمع بندی و نتیجه گیری

کیفیت زندگی، مفهومی پیچیده و چندبُعدی است که تحت تأثیر مولفه‌هایی چون زمان و مکان ، ارزش های فردی و اجتماعی قرار داد و از این رو معمای گوناگونی برای افراد و گروهی مختلف بر آن مترتب است برخی آن را به عنوان

قابلیت زیست‌پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به‌عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایت مندی و مواردی از این دست تعبیر کرده‌اند. بنابراین کیفیت زندگی، واژه‌ای پیچیده در ارتباط با شرایط و وضعیت جمعیت در یک ناحیه یا روستا است. در برگیرنده‌ی ابعاد روانی است که شاخص‌هایی همچون رضایت، شادمانی و امنیت را در بر می‌گیرد و در برخی موارد رضایت‌های اجتماعی نیز نامیده می‌شود توجه به مفهوم بعد ذهنی، یکی از دیدگاه‌هایی است که در تحقیقات مربوط به کیفیت زندگی به‌کار برده می‌شود. این رویکرد که به رویکرد آمریکایی کیفیت زندگی معروف است. در همین راستا پژوهش حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در بین روستاییان ساکن در روستای میمند از توابع شهرستان بابک پرداخته است. جامعه آماری پژوهش حاضر را، که از نوع مطالعه توصیفی-همبستگی است، سرپرستان خانوار روستای میمند تشکیل می‌دهند. به‌منظور تعیین تعداد نمونه‌ها با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد ($p \& q = 0/5$) و احتمال خطای ($d = 0/07$)، ۵۰ سرپرست خانوار به‌عنوان نمونه انتخاب گردید. ابزار تحقیق از نوع پرسشنامه محقق ساخته بوده که روایی آن با استفاده از نظرات کارشناسان و اساتید دانشگاهی و پایایی آن با انجام پیش‌آزمون و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ($0/08$) مورد تأیید قرار گرفت. کلیه محاسبات آماری این پژوهش به وسیله نرم‌افزار SPSS انجام گرفت. در این ارتباط شاخص‌های کیفیت زندگی (متغیر وابسته) و میزان رضایت ساکنان روستا به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده است.

در نتیجه فرضیه مبنی بر وجود رابطه مستقیم و معنادار بین هماهنگی بین ارگان‌های تصمیم‌گیرنده در ارتباط با شاخص‌های اقتصادی کیفیت زندگی با میزان رضایت ساکنان با اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌شود. به لحاظ اثبات رابطه مستقیم بین آن‌ها می‌توان گفت از دیدگاه ساکنین با افزایش میزان هماهنگی بین ارگان‌های تصمیم‌گیرنده در ارتباط با افزایش بُعد شاخص‌های اقتصادی کیفیت زندگی ($0/35$) میزان با میزان رضایت ساکنان افزایش خواهد یافت. در نتیجه بین همبستگی بین شاخص‌های اجتماعی کیفیت زندگی با میزان رضایت ساکنان روستا و مستقیمی ($0/15$) وجود دارد. از اینرو فرضیه تحقیق با ۹۵٪ اطمینان تأیید می‌شود. نتیجه می‌شود که بین شاخص‌های کالبدی کیفیت زندگی با میزان رضایت ساکنان روستای میمند همبستگی بسیار ضعیف و مستقیمی ($0/11$) وجود دارد. نتایج حاصل از پیش‌بینی میزان همبستگی بین شاخص‌های کالبدی کیفیت زندگی با میزان رضایت ساکنان روستای میمند بسیار ضعیف و مستقیمی ($0/11$) وجود دارد.

منابع

۱. احمدوند، مصطفی، هدایتی‌نیا، سعید، عبداللهی، خسرو (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر رفاه و سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی در مناطق روستایی شهرستان بویر احمد»، پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره دو، صص: ۸۹-۱۱۲.
۲. بریمانی، فرامرز و بلوچی، عثمان (۱۳۹۲)، «ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی با استفاده از سامانه‌های هوشمند (منطق‌فازی) (مطالعه موردی: دهستان مهبان شهرستان نیک‌شهر)»، پژوهش‌های روستایی، دوره چهارم، شماره سه، پاییز.
۳. بوستانی، داریوش، ابتکاری، محمدحسین، محمدپور، احمد (۱۳۹۱)، «ارزیابی شاخص‌های کیفیت زندگی در نواحی روستایی کشور»، فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، سال اول، شماره چهارم، صص ۱۹۵-۱۶۷.
۴. پورطاهری، مهدی، رکن‌الدین‌افتخاری، عبدالرضا و فتاحی، احداالله (۱۳۹۰)، «ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان خاوه شمالی، استان لرستان)»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۶، صص ۳۱-۱۳.
۵. حاتمی‌نژاد، حسین (۱۳۹۰)، تحلیل فضایی از شاخص‌های کیفیت زندگی در تهران، مجله جغرافیای انسانی، شماره ۴.
۶. حیدری‌ساربان، وکیل (۱۳۹۳)، «سنجش و اولویت‌بندی مناطق روستایی بر حسب سطوح کیفیت زندگی شهرستان مشگین‌شهر»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال چهاردهم، شماره ۳۳، صص ۱۵۲-۱۳۱.
۷. خادم‌الحسینی، احمد، حسین، منصوریان، محمد حسین، ستاری (۱۳۸۹). سنجش کیفیت ذهنی زندگی در نواحی شهری (شهر نورآباد لرستان)، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال اول، شماره ۳، صص ۴۵-۶۰.
۸. خادمی، امیر حسین، جوکار سرهنگی، عیسی (۱۳۹۲)، ارزیابی کیفیت زندگی شهری، مطالعه‌ی موردی: بافت فرسوده شهر آمل، فصلنامه توسعه‌ی شهری، شماره ۲.
۹. خواجه شاهکوهی، علیرضا؛ مهدوی، شهرام، سوری، فرشاد، صمدی، رضا (۱۳۹۱)، ارزیابی و سنجش شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی شهری، مطالعه موردی: شهر کاشان، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۰، پاییز و زمستان.
۱۰. دربان آستانه، علیرضا و محمودی، منیژه (۱۳۹۵)، ارزیابی کیفیت زندگی در روستا- شهرهای جدید مطالعه موردی: شهر بانوره، فصلنامه جغرافیا و توسعه، دوره ۱۴، شماره ۴۲، بهار، صص ۲۱۸-۱۹۹.
۱۱. صفایی‌پور، مسعود و احمدی، زهرا (۱۳۹۳)، ارزیابی و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی در منطقه ۴ شهر اهواز، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۹، شماره ۲.
۱۲. طالب، مهدی؛ سوری، فرشاد، تاجبخش، غلامرضا، یوسفوند، سامان (۱۳۹۳)، «تحلیل اکتشافی ابعاد اجتماعی- اقتصادی کیفیت زندگی کارکنان روستایی واحدهای پرورش ماهی (موردپژوهی: کارکنان روستایی واحدهای پرورش ماهی شهرستان سلسله)»، مجله علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، سال چهارم، شماره اول (پیاپی ۱۲)، بهار، صص ۸۶-۶۵.

۱۳. عنابستانی، علی اکبر، روستا، مجتبی، آوریده، اصغر، صیادی آنگلی، محمد (۱۳۹۳)، «مقایسه تطبیقی سطح برخورداری سکونتگاه‌های روستایی با استفاده از مدل ضریب ویژگی و موریس (مطالعه موردی: بخش میمند- شهرستان فیروزآباد)»، فصل‌نامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، سال ششم، شماره ۱۹.
۱۴. عیسی‌لو، علی اصغر، بیات، مصطفی و بهرامی، عبدالعلی (۱۳۹۲)، «انگاره زیست‌پذیری رهیافتی نوین جهت ارتقای کیفیت زندگی در جوامع روستایی (مطالعه موردی: شهرستان قم، بخش کهک)»، فصلنامه مسکن و محیط، شماره ۱۴۶، تابستان.
۱۵. غفاری، غلامرضا، امید، رضا (۱۳۸۸)، کیفیت زندگی، اخص توسعه توسعه اجتماعی، تهران: نشر شیرازه.
۱۶. قادرمرزی، حامد؛ جمینی، داوود و جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۵)، وزیع فضایی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان روانسر، فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره ۳۵، شماره ۱۵۵، صص ۱۰۸-۹۳.
۱۷. قالیباف، محمد باقر، روستایی، مجتبی، رمضان زاده لسبویی، مهدی، طاهری، محمد رضا، (۱۳۹۰)، ارزیابی کیفیت زندگی شهری، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال نهم، شماره ۳۱.
۱۸. گلکار، کورش (۱۳۷۹). مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری، نشریه علمی پژوهش‌های صنف، شماره ۳۲، صص ۶۵-۳۸.
۱۹. لینچ، کوین (۱۳۷۶). تئوری شکل خوب شهر، ترجمه حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. مزیدی، صفرزاده و منصوری (۱۳۹۰)، شناسایی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر کاربری اراضی مسکونی با استفاده از تکنیک MCDM مطالعه ی موردی: شهر یاسوج، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۲۱.
۲۱. مهندسین مشاور آمو، (۱۳۸۳)، طرح توسعه، عمران و حوزه نفوذ شهر یاسوج، جلد دوم.
22. Baycan-Levent, T. & Nijkamp, P., (2006), Quality of Urban Life: a Taxonomic Perspective. Journal of Studies in Regional Science. Vol. 36. No. 2, Pp. 269-281.
23. Bukenya, James Obadiah; Gebremedhin, Tesfa G.; and Schaeffer, Peter ., (2003), - Analysis of quality of life: rural development: evidence from West Virginia data. Growth and Change. No. 34.
24. Bukenya, J., Gebremedh, T, F, and Schaffer, p., (2005), Analysis of quality of life rural development: evidence from West Virginia Data, Growth and Change, Vol (8), No. 34. p. 25.
25. Cagliero, R, Cristiano S., Pierangeli F., Tarangioli., S., (2011), Evaluating the Improvement of Quality of Life in Rural Areas, Ancona – 122nd EAAE Seminar, Evidence-Based Agricultural and Rural Policy Making: 1-15.
26. Das, D. (2008), Urban Quality of Life: A case study of Guwahati, Social Indicators Research, 88.
27. Grgic, I.; Zimbek, T.; Tratnik, M.; Markovina, J. & Juracak, J., (2010), Quality of Life in Rural Areas of Croatia: To Stay or to Leave?. African Journal of Agricultural Research. Vol. 5. Issue 8, Pp. 653-660.
28. Malkoc, A., (2011), Quality of Life And Subjective Well-Being In Undergraduate Students, Procedia Social And Behavioral Sciences, 15: 2843-2847.

29. Moro, M Bereton, F., Ferreiran, S. and Clich, Y., (2008), Ranking quality of life using subjective well-being data in the rural area of Pakistan, *ecological Economies*, Vol(65), No.3, pp448-450.
30. <http://visitmeymand.ir>
31. <https://fa.wikipedia.org>